پرسشنامه الگوی ارتباطات خانواده ریچی و فیتزپاتریک

	سئوالات	کاملا مخالف	تاحدودی مخالف	بی نظر	تاحدودی موافق	کاملا موافق
۱	والدینم من را تشویق می کنند تا احساساتم را بیان و ابراز کنم.					
۲	پدر و مادرم دوست دارند نظر من را بشنوند حتی وقتی که من با آنها موافق نیستم.					
۳	اغلب وقتی خانواده درباره چیزی صحبت می کند پدر و مادرم نظر من را می پرسند.					
۴	پدر و مادرم من را تشویق می کنند تا افکار و عقاید آنها را مورد بررسی قرار دهم.					
۵	من واقعا از صحبت کردن با والدینم لذت می برم حتی وقتی با هم توافق نداریم.					
۶	ما اغلب در خانواده خود درباره احساسات و عواطفمان صحبت می کنیم.					
۷	معمولا آنچه را که دارم درباره اش فکر می کنم با پدر و مادرم درمیان می گذارم.					
۸	اغلب من و پدر و مادرم درباره هرچیزی گفتگو های طولانی ،آسوده و راحتی داریم.					
۹	اغلب پدر و مادرم چیزی مثل این می گویند:تمام اعضای خانواده در تصمیم گیری های خانواده باید نظر خود را بگویند.					
۱۰	من تقریبا می توانم هرچیزی را با پدر و مادرم در میان بگذارم.					
۱۱	ما به عنوان یک خانواده اغلب درباره کارهای که در طول روز انجام داده ایم صحبت می کنیم.					
۱۲	اغلب پدر و مادرم چیزی مثل این می گویند:تو همیشه باید به هر دو جنبه مثبت و منفی مطلب مورد بحث توجه کنی.					
۱۳	ما در خانواده خود اغلب درباره نقشه ها و آرزوهایی که برای آینده داریم حرف می زنیم.					
۱۴	پدر و مادرم تمایل دارند احساساتشان را به راحتی بیان کنند.					
۱۵	ما در خانواده اغلب درباره موضوعاتی از قبیل سیاست و مذهب بحث و گفتگو می کنیم.هر چند بعضی از اعضای خانواده با یکدیگر موافق نباشند.					
۱۶	اغلب پدرم و مادرم چیزهایی مثل این می گویند: عقیده و نظر من درست است تو نباید در مورد آن چون و چرا کنی.					
۱۷	اغلب پدر و مادرم چیزهایی مثل این می گویند: بچه نباید با بزرگتر ها بحث کند.					
۱۸	پدر و مادرم احساس می کنند باید رئیس باشند.					
۱۹	وقتی پدر و مادرم عقیده من را نمی پسندند نمی خواهند درباره آن چیزی بدانند.					
۲۰	در خانه ما همیشه پدر و مادرم حرف آخر را می زنند.					
۲۱	بعضی وقتها وقتی عقیده من با عقاید پدر و مادر متفاوت است آنها از دست من عصبانی می شوند.					
۲۲	وقتی در خانه هستم از من انتظار می رود دستورات پدر و مادرم را اطاعت کنم.					

	سئوالات	کاملا مخالف	تاحدودی مخالف	بی نظر	تاحدودی موافق	کاملا موافق
۲۳	اغلب پدر و مادرم چیزهایی مثل این می گویند: وقتی بزرگ شدی بهتر می فهمی.					
۲۴	اغلب پدر و مادرم چیزهایی مثل این می گویند:درباره بعضی چیزها نباید حرف زد.					
۲۵	اغلب پدر و مادرم چیزهایی مثل این می گویند: در بحث ها به جای این که دیگران را کفری و عصبانی کنی باید تسلیم شوی (کوتاه بیای).					
۲۶	وقتی هر چیز واقعا مهمی در میان است پدر و مادرم از من انتظار دارند بدون هیچ چون و چرایی از آنها اطاعت کنم.					